

زالا طنز



نامه‌ای به باد

سلام جناب باد. شنیده‌ام وضعیت خیلی خوب شده و به قول معروف، توپ توپ شده‌ای. به خاطر همین است که رفقای قدیمی را پاک فراموش کرده‌ای. جناب باد، یادت هست آن موقع‌ها، چه قدر با هم رفیق بودیم. یادت هست چه قدر به خانه ما می‌آمدی و با خودت هم یک دنیا گرد و خاک می‌آوردی؟ یادت هست که رفقا مرا رها کردند و دیگر تحویل نمی‌گرفتند، آن هم فقط به خاطر تو؟ چون همه می‌گفتند تو همراه باد هستی و دیگر دور و برم نیامدند.

یادت هست وقتی رئیس اداره عوض شد، همان روز اول، چنان با او گرم گرفتی که گویی چند سال است او را می‌شناسی و فردای همان روز، تو را رئیس دفتر کرد؟ یادت هست که سال گذشته، چند روز قبل از این که عیدی‌ها را بدهند، به من گفتی: راستی، می‌خواهم

مرخصی ساعتی بگیرم و به بازار بروم؛ آخه امشب قراره با خانواده به منزل آقای رئیس برویم؟ من آن روز دلیل این کار را نفهمیدم، ولی پس از چند روز، متوجه شدم که عیدی تو با من، که با هم در یک رتبه بودیم، ده هزار تومان فرق داشت!

راستی حالا که موفقیت خودم را - که برای حفظ دوستان صمیمی‌ام، از تو فاصله گرفتم - با تو مقایسه می‌کنم، تازه می‌فهمم که چرا تو همیشه روزهای عیدیک حالت عجیبی داشتی و برای دیدار آقای رئیس، روزشماری می‌کردی. جناب باد، رفیق قدیمی، یک کمی فکر کن. حالا که ما از همه جا بی‌کار شده‌ایم و محتاج قوت لایموت خویشیم، لااقل به یاد رفیق قدیمی‌ات، سری به ما بزن و احوالی از ما بپرس. درست است که ما مثل شما، نان به نرخ روز نمی‌خوریم و به اصطلاح، سر توی لاک خودمان داریم، اما این شرط رفاقت نیست.

معما

شما می‌توانید با حل کردن این معما، از جایزهٔ بارزش آن بهره‌مند شوید.

«شیر شیرینی ز شیر شیر خورد»

شیر سیری بر سیری شیر خورد»

برای حل این معما و نحوهٔ استفاده از جایزهٔ آن، می‌توانید به دیگر صفحات مجله مراجعه کنید.



کندوکاو

در میان کهنه ورق‌های جا مانده در تاریخ، کتاب *آداب الركوب علی المركوب* نوشته میرزا نجم‌الدین کومه‌ای را یافتیم. به نظرمان رسید نقل گوشه‌هایی از این کتاب به عنوان مزید اطلاع خالی از لطف نباشد:

میرزا در باب خامس قبل از سادس، حقیقه چهارم در آداب رکوب بر «آسانرو» آورده است: «از مروّت به دور است بر در آسانرو ایستادن و با دیگری حرف زدن؛ چه آن‌که ممکن است از ابنای آدم - علی نبینا و آله و علیه السلام - کسی در طبقات دیگر منتظر باشد تا این اشتر در مقابل او نیز زانو زند تا بر آن نشیند. هم‌چنین به دور از ادب است وقتی ادر آسانرو در حال بسته شدن است، آن را با لطایف‌الحیل بازکردن؛ از آن‌رو که این‌کار علاوه بر آن‌که موجب استهلاک بیت‌المال می‌گردد، اتلاف وقت دیگران نیز به دنبال دارد.» میرزا نجم‌الدین در بخش دیگری از این حقیقه آورده است: «هر مرکبی را طاقتی است

که بیش از آن را تحمل نتواند کرد. آسانرو نیز از این قاعده مستثنا نباشد و حمل بار بیش از ظرفیت بر آن خلاف سبیل عاقلان و ناقلان است: عاقلان خلاف شمارند؛ چون پاره شدن ریسمان آسانرو همانا و سقوط در اسفل‌السافلین طبقات همانا. و ناقلان خلاف شمارند؛ چون در هیچ نبشته‌ای از پیشینیان چنین اجازتی یافت نشده است.»

او در بخش دیگری نوشته است: «حرمت ضعیفان و از پا افتادگان را در سوار شدن نگاه باید داشت و هر که را آثار حَمّام هنوز بر چهره هویدا است. آن که را پای رفتن است، پیاده رفتن، هم چربی اشکمش آب کند و هم بر قوّت کمرش بیفزاید.»

میرزا می‌نویسد: «از دو کس در شگفتم: یکی از آن که حتی برای طبقتی بر این مرکب سوار شود و این مقدار راه هم تاب پیاده رفتن نیاورد و دیگر آن‌که در طبقتی این مرکب بیچاره را احضار کند، ولی بر آن ننشیند.»

میرزا در آخرین باب از کتاب خود در باب پیش‌گویی از انواع این وسیلت آورده است: «زود باشد که بینی آسانروهایی اختراع شود شخصی، که کلید آن تنها در اختیار خاصان باشد و هر که را اجازت نشستن بر آن ندهند و بازبینی آسانروهایی که هم افقی سیر کنند و هم عمودی. اما الحذر الحذر، از معطل شدن پای آسانرویی که تا بر آن نشینی بوق آن چون پیک بهداشت از پس آن خارج شود و همه محله را خبر کند!»



پیشنهادات آبکی!

- ۱- برای بالا رفتن کمیت کارها و جلوگیری از رفت و آمدهای زاید، به بعضی از کارمندا یک دست رخت خواب هم بدهید تا شبها همین جا بیتوته کنند.
- ۲- آسانروهای مؤسسه را بفروشید با پولش شکلات بخرید، به هر نفر یکی بدهید.
- ۳- معاونت فرهنگی - تربیتی را به معاونت «مسابقات و قرعه کشی» تغییر نام دهید.
- ۴- نام واحد کارگزینی به «واحد کارگره زنی» اصلاح شود.
- ۵- مدیریتی به نام «مدیریت شیر» تأسیس گردد.
- ۶- حال که فروشگاه مؤسسه بیش تر وقتها بسته است، قدرت خرید اجناس آن را هم نداریم، لااقل یکی از «آکواریوم»های (!) مؤسسه را برای نمایش اجناس آن اختصاص دهید تا از دیدن آنها محروم نمانیم.
- ۷- مجله دیدار را پس از چاپ یک سره از چاپ خانه به مغازه نان خشکی ببرید و به جای آن نمک ید دار بخرید. عایداتش بیش تر است.
- ۸- نام امور مالی را به «امور خالی» تغییر دهید.
- ۹- برای جلوگیری از خستگی کارکنان «اداره کامپیوتر» (!) - به دلیل بی کاری - و برای استفاده از دستگاه های راکد، روی هر دستگاه یک بازی نصب کنید.
- ۱۰- مقالات معرفت را جوری بنویسید که

- دست کم خودتان بتوانید بخوانید.
- ۱۱- چون کارکنان اداری ناخواسته چوب لای چرخ کارکنان می گذارند، نام این واحد به «غیر ارادی» تغییر کند.
 - ۱۲- به جای واحد کارپردازی، واحدی به نام «پشت گوش اندازی» دایر کنید.
 - ۱۳- با توجه به گسترش روزافزون واحدهای پژوهش، یک ساختمان مجزا برای این معاونت اختصاص دهید.
 - ۱۴- به دلیل بلااستفاده ماندن فضای زیاد «اداره کامپیوتر» و نیاز مبرم کارکنان آن، بخشی از فضای خالی این واحد توسط شهرداری به فضای سبز و پارک بازی بچه ها تبدیل شود.
 - ۱۵- به جای روابط عمومی «واحد روابطی» دایر کنید.
 - ۱۶- به واحد آموزش «سکوی پرتاب» بگویید!
 - ۱۷- عنوان واحد حساب داری را به «واحد صدقات» تغییر دهید؛ چون هر وجهی را

هناجات بالسان رایانه

ای خدا hard دلم Format نما

از فریب ناکسان راحت نما

جمله ویروس اند این مردان دون

أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ مِمَّا يَفْتَرُونَ

File عشقت را Copy کن در دلم

Deltree کن شاخه های باطم

user درگاه رحمانیم کن

رهرو راه مسلمانیم کن

Jumper روح خلاق Set نما

گام هایش در رخت ثابت نما

گر ز انفاست دلی Scan شود

از شرور دیو و دد ایمن شود

بهر روی زرد، سیمین تن فرست

بهر دل های پر آتش fan فرست

ای خدا File عذابت Run مکن

با ضعیفان هیچ جز احسان مکن

از همان صبحی که اول گل دمید

بی نیاز از Cad خدایش آفرید

کارگاه آفرینش Cad نداشت

ram نبود و mouse ها هم pas نداشت

عشق گل، حق در دل بلبل نهاد

بر شقایق داغ چون Label نهاد

سیستم عشقش مبری از Error

گوهر مهرش به سینه همچو دُر

عشق، نرم افزار راه انداز ماست

عشق، password وصال کبریاست

خالی از عشق محبت دل مباد

بی صفا چون inetl و ic مباد

بهتر آن باشد سرودن وِل کنم

زین تن خاکی دمی dosshel کنم.

دور سر می گرداند، بعد مثل صدقه، به صاحبش می دهند.

۱۸- به معاونت پژوهش، «معاونت آزمایش» بگویید؛ چه هر کس مدتی آزمایش خود را که با موفقیت پس داد، برای کار به جاهای بهتر می رود.

۱۹- واحد ترجمه اگر می تواند، حرف کارکنان را برای بعضی از مسئولان ترجمه کند.

۲۰- مدیریت تحصیلات تکمیلی به «مدیریت بلاكلیفی» تغییر نام یابد.

۲۱- کتابخانه به «نمایشگاه میز و صندلی» تغییر نام پیدا کند.

۲۲- واحد موتوری را «نمایشگاه اتومبیل» بنامیم.

۲۳- واحد گزینش «قرنطینه» نامیده شود.

۲۴- نام اداری - مالی به «اداری - پولی» اصلاح شود.

۲۵- به دبیرخانه بگوییم: «اداره پست».

۲۶- امور پایان نامه ها به «امور وصیت نامه ها» تغییر نام داده شود.

۲۷- دایرة المعارف نگوییم، بلکه «دایرة العلوم» بگوییم.

۲۸- به جای سمعی - بصری، بگوییم: «بین و بگو».

۲۹- مدیریت اطلاع رسانی نه، بلکه مدیریت «خبرچینی».

۳۰- انبار یا «گمرک جنوب»، کدام یک؟ آقای پیشنهادی